

نقش محیط و فرهنگ در شکل‌گیری آرامگاه‌های دوره اسلامی در حاشیه جنوبی دریای خزر

علی رحمتی زاده^۱، حسین سلطان زاده^۲، ایرج اعتصام^۳، سیدمصطفی مختاباد امرئی^۴

تاریخ دریافت مقاله :

۱۳۹۸/۰۲/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله :

۱۳۹۸/۰۴/۲۶

چکیده

یکی از بناهای آیینی و متبرکه در دوران اسلامی ایران آرامگاه افراد دارای کرامات الهی است که به دلیل قداست بعد از مساجد از اهمیت ویژه ای نزد مردم برخورداراند. حال آنکه در حاشیه جنوبی دریای خزر به دلایل تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی تعداد این بناها بیشتر از سایر نقاط ایران است. بنابراین هدف از این پژوهش ابتدا شناخت ویژگی‌های معماری این گونه بناها و سپس مشخص کردن تفاوت و تشابهات آن‌ها با در نظر گرفتن نقش محیط و فرهنگ در این خطه است بنابراین پرسش این تحقیق به این صورت است که، معماری آرامگاه‌های دوره اسلامی در حاشیه جنوبی دریای خزر دارای چه ویژگی‌هایی است و محیط و فرهنگ چه نقشی در شکل‌گیری آن‌ها دارد؟ در این پژوهش از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. نمونه‌ها ۱۲۷ مورد بوده که از بین آن‌ها ۱۶ مورد که نمایانگر نمونه‌های متداول یا به عبارت دیگر با فراوانی زیاد است انتخاب گشته تا بتوان ویژگی آن‌ها را به جامعه آماری نسبت داد. این نمونه‌ها از نظر محوطه، پلان و فضا، کالبد و شکل بیرونی به همراه تزیینات، مصالح و روش ساخت به روش مقایسه تطبیقی بررسی شده‌اند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد، با اینکه استان‌های گیلان و مازندران در یک خطه قرار دارند اما با توجه به رواج بقاع نیمه بسته با دیوار مشبک چوبی و بقاع نیمه باز یا فاقد دیوار به دلیل باورهای مذهبی، معیشت شیبانی و اقلیم در غرب گیلان، بقاع ایوان‌دار با اتاق تدفین بسته در شهرهای نزدیک به شرق، در غرب گیلان مانند شهرهای رشت، لشت‌نشاء و فومن و در شهرهای شرقی گیلان به دلیل آداب مذهبی و شرایط اقلیمی، وجود بقاع چهار و هشت ضلعی گنبدی در بخش کوهستان جنوب غربی و شرقی گیلان یعنی بخش‌های رودبار، عمارلو و دیلمان به دلیل شرایط جغرافیایی و همجواری با مناطق دیگر همانند قزوین و زنجان، رواج آرامگاه‌های برجی در مازندران به دلیل عرف و باورهای مردم همچنین شرایط اقلیمی که البته در بخش غربی و شرقی این استان نیز تفاوت‌هایی وجود دارد، همچنین نمونه‌های ایوان‌دار دوره قاجار در غرب و شرق مازندران؛ معماری آرامگاه‌های دوره اسلامی در مناطق مختلف این دو استان تحت تاثیر عوامل محیطی مثل اقلیم و موقعیت جغرافیایی و عوامل فرهنگی همانند باورها و آداب مذهبی و عرف جامعه متفاوت هستند.

کلمات کلیدی: محیط، فرهنگ، آرامگاه، دوران اسلامی، حاشیه جنوبی دریای خزر

۱. پژوهشگر دکتری معماری، دانشکده عمران، معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایمیل: Ali.rahmatizadeh@srbiau.ac.ir

۲. دانشیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، (نویسنده مسئول)،

ایمیل: Hos.soltanzadeh@iauctb.ac.ir

۳. استاد، دانشکده عمران، معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایمیل: I.ettesam@srbiau.ac.ir

۴. استاد، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایمیل: Mokhtabm@modares.ac.ir

*** این مقاله بر گرفته از رساله دکتری معماری آقای علی رحمتی زاده با عنوان نقش محیط و فرهنگ در شکل‌گیری بناهای آیینی و متبرکه در حاشیه دریای خزر با راهنمایی آقای دکتر حسین سلطان زاده و مشاوره آقایان دکتر ایرج اعتصام و دکتر سید مصطفی مختاباد امرئی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات نگارش شده است.

مقدمه

معماری تدفینی یا آرامگاه جزء جدایی‌ناپذیر هر جامعه در زمان‌های مختلف است. در ایران نیز از گذشته تا امروز به خصوص در دوران اسلامی ما شاهد این گونه بناها هستیم. در دوران اسلامی چنانچه این آرامگاه مربوط به افراد دارای کرامات الهی مثل نوادگان یا خاندان امامان معصوم (ع) می‌شد نام امامزاده، بقعه، تربت، مشهد و ... بر آنها می‌نهادند و مورد احترام عام مردم قرار می‌گرفتند و راهی بودند برای توسل جستن و حاجت گرفتن، بدون شک این نوع از عملکرد تاثیر و نفوذ فرهنگی زیادی در جامعه ایرانی دارد. بدین ترتیب پرداختن به چگونگی معماری آرامگاه در دوره اسلامی حائز اهمیت است، به ویژه در حاشیه جنوبی دریای خزر که از یک طرف به عنوان مهمترین پناهگاه مهاجران مسلمان در اوایل قرون اسلامی بوده و سبب شده تعداد امام زادگان و بقاع در این منطقه بیشتر از سایر نقاط ایران باشد. از این رو، انجام تحقیق و بررسی در باب نقش فرهنگ در طیف وسیعی از بناها، مثل بناهای غیر مسکونی ارزشمند خواهد بود (Rapoport, 2008:21).

این در حالی است که مطالعات چندانی بر روی بقاع این خطه صورت نگرفته است. بنابراین هدف این نوشتار نیز ابتدا شناخت ویژگی‌های معماری این گونه بناها و سپس مشخص کردن تفاوت و تشابهات آنها با در نظر گرفتن نقش محیط و فرهنگ است. زیرا هر عملکردی می‌بایست با توجه به محیط و فرهنگ بوم خود مورد بررسی قرار گیرد، به عبارت دیگر باید با نگاهی ریزبینانه تفاوت‌های خرد و بارز آن عملکرد را در ارتباط با اقلیم میانه^۱، خرده فرهنگ^۲ و تاریخ در هر منطقه مشخص کرد تا به نتایج دقیق رسید. در این رابطه، طراحی اسلامی تا

حدودی یک موضوع متفاوت است، زیرا توسط دغدغه‌های مذهبی و نفوذ فرهنگی نسبتاً گسترده در جغرافیا تعریف شده است (Pile & Gura, 2014: 69).

با توجه به موارد ذکر شده پرسش‌های پژوهش به شرح زیر است:

۱. معماری آرامگاه‌های دوره اسلامی در حاشیه جنوبی دریای خزر دارای چه ویژگی‌هایی است؟
۲. محیط و فرهنگ چه نقشی در شکل‌گیری آرامگاه‌های دوران اسلامی در حاشیه جنوبی دریای خزر دارد؟

پیشینه

منابع مرجع معماری اسلامی که توسط نگارندگان ایرانی یا خارجی نگاشته شده در یک نگاه کلی به آرامگاه‌ها یا مقابر مناطق مرکزی ایران یا جهان اسلام پرداخته‌اند؛ رابرت هیلن براند در کتاب معماری اسلامی آرامگاه‌های ایران را به دو گونه کلی یعنی چهارگوش گنبدی و مقابر برجی تقسیم می‌کند و سعی دارد تا ریشه‌های شکل‌گیری آنها را بیابد (هیلن براند، ۱۳۸۳). آرتور پوپ در کتاب معماری ایران به بناهای شاخص و آرامگاه‌های حکومت‌های

اسلامی ایران توجه دارد و فقط در جایی بیان می‌کند؛ تعدادی برج‌های جالب و غالباً زیبا در سراسر مازندران و در میان کوه‌های البرز پراکنده‌اند، که اغلب با مسجدی همراه است (پوپ، ۱۳۸۷: ۹۶). کریم پیرنیا در کتاب معماری اسلامی ایران آرامگاه‌های برجی را به عنوان منار و میل‌های راهنما در نظر می‌گیرد که گور بانی خود شده‌اند (پیرنیا، ۱۳۸۳). حسین سلطان زاده (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان چگونگی شکل‌گیری و معماری مزارها، معماری تدفینی ایران در قبل و بعد از اسلام را به



روش تحقیق

در این مقاله نوع پژوهش به صورت کیفی است که با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. گردآوری داده‌ها به صورت مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای بوده و ابزار گردآوری اسناد و مدارک، مشاهده، مصاحبه، عکس‌های تاریخی و تصویر برداری بوده است که به طریق مقایسه تطبیقی بررسی و نتایج استخراج گردیده است.

انتخاب نمونه‌ها

در این پژوهش شانزده نمونه از بین ۵۶ مورد در گیلان و ۷۱ مورد در مازندران در میان نمونه‌های متداول یا به عبارت دیگر عمومیت یافته و با فراوانی زیاد اطلاعات آن‌ها موجود و بنای آن‌ها بازسازی یا تخریب نشده است انتخاب گردید. البته به نمونه‌های کمتر متداول که حتی تصویری از آن‌ها باقی است به صورت کوتاه پرداخته خواهد شد تا بتوان ویژگی‌های معماری این نوع بناها را در این مناطق بطور کامل پوشش داد. انتخاب نمونه‌ها از سمت غرب گیلان شروع شده و تا شرق مازندران ادامه پیدا می‌کند.

شکل‌گیری معماری تدفینی در دوران اسلامی

در قرن‌های اولیه اسلام، مقبره‌های پر زرق و برق جایز شمرده نمی‌شد و مسلمانان مومن ترجیح می‌دادند که در قبرهای بی نشان دفن شوند. برطبق حدیثی منسوب به پیامبر اسلام، حتی نماز و دعا بر سر قبر ممنوع شده بود. با وجود این، سرانجام معماری آرامگاهی ایجاد شد و توسعه یافت (ایرون، ۱۳۸۹: ۱۰۱). به غیر از تعداد بسیار اندک، بقیه مسلمانان در دو قرن اول ظهور اسلام در قبرهای معمولی دفن شدند. تاحدی می‌توان گفت که انزجار افکار عمومی در مورد معماری تدفینی غالب شده

هفت دسته طبقه‌بندی کرده و ریشه‌های آن‌ها را واکاوی می‌کند.

با وجود اینکه کمبود مطالعات منسجم در زمینه معماری آرامگاه دوره اسلامی در حاشیه جنوبی دریای خزر وجود دارد؛ چند تحقیق در این مورد انجام شده است که به آن‌ها خواهیم پرداخت. در این بین یکی از منابع موجود در مورد بناهای تاریخی گیلان و مازندران به ویژه بقاع متبرکه کتاب از آستارا تا استارباد (۱۳۵۳، ۱۳۵۱، ۱۳۴۹) نوشته منوچهر ستوده است. وجود تصاویر بقاعی که از زمان نگارش کتاب تا امروز تغییر یافته یا تخریب و بازسازی شده‌اند بسیار حائز اهمیت است. مینو خاکپور (۱۳۹۲) در مقاله گونه شناسی بقاع متبرکه لاهیجان بقعه‌های این شهر را در ارتباط با معماری بومی گیلان می‌داند. قاسم غلامی (۱۳۸۷) در کتاب امام‌زاده‌های گیلان به بررسی تاریخ و آداب زیارتی در امام‌زاده‌ها پرداخته و اشاره‌ای کوتاه به شکل کلی آن‌ها دارد. حسین راعی (۱۳۹۰) در مقاله بررسی و مطالعات برج-مقبره‌های قرن ۸ و ۹ ه.ق در مازندران که نمونه موردی آن مقبره شمس آل رسول در آمل است لیستی از ۳۰ مقبره معرفی کرده اما تمرکز مطالعه بر روی نمونه موردی است و تفاوتی بین آن‌ها نمی‌گذارد. مهندسین مشاور معماری و شهرسازی آبمیس پارس (۱۳۸۶) در طرح حفاظت و مرمت مقابر، مطالعاتی در مورد مرمت سی و دو برج مقبره در مازندران انجام داده است که اطلاعاتی در زمینه تاریخی، فنی و ترسیمی مقابر این استان می‌دهد. بنابراین مطالعات انجام شده بیشتر با تمرکز در زمینه یا نمونه‌ای محدود صورت گرفته و تفاوتی بین تغییرات محیط و فرهنگ قائل نشده‌اند.



بود. تا قرن سوم هـ.ق برخی خلفای عباسی کماکان درون خانه خود دفن می‌شدند (هیلن براند، ۱۳۸۳: ۳۱۴)، تا در قرن چهارم و پنجم هـ.ق معماری تدفینی در اشکال برجی همانند گنبد قابوس و گنبدی همانند امیر اسماعیل سامانی پدید آمد که زمینه‌ساز شکل آرامگاه‌های اسلامی در قرن‌های بعدی شد. از سده ششم تا هشتم هـ.ق؛ دوازدهم تا چهاردهم میلادی سپاس‌گذاری پاکان در میان مردم و فرمانروایان با سازمان یافتن اجتماعات صوفیه یا عرفان اسلامی صورتی قطعی یافت و گروه‌های فتیان پدیدار گشت که هر یک دارای سلسه مراتب بنیادگذاران و مرادان و مرشدان بودند (بورکهارت، ۱۳۹۲: ۱۰۵). به این ترتیب می‌توان سیر شکل‌گیری آرامگاه‌های اسلامی را به سه دوره تقسیم کرد.

جدول ۱: روند شکل‌گیری آرامگاه‌ها در دوران

اسلامی (مأخذ: نگارندگان)

دوره	نحوه ساخت
از اوایل اسلام تا قرن دوم هـ.ق	سادگی مراسم دفن و مخالفت با هر گونه علامت
از قرن دوم تا قرن سوم	دفن محدود افراد شاخص در بخشی از خانه خود
از قرن چهارم به بعد	ایجاد علامت یا ساخت بنایی مشخص برای افراد شاخص

مبانی نظری

در این نوشتار نوع نگاه به موضوع از منظر محیط و فرهنگ است. کلید هر تعریفی از محیط، در این نکته نهفته است که، محیط دارای ویژگی احاطه‌کنندگی است، این ویژگی منجر به ایجاد مشکلات مفهومی و اصطلاح‌شناختی در معنای می‌شود که هنگام استفاده از واژه محیط بدان داده می‌شود (جلیلی،

۱۳۸۹: ۲۹). بنابراین منظور از محیط در این نوشتار، اقلیم^۳ و عوامل جغرافیایی^۴ است. مروری گذرا بر معماری بسیاری از شهرها و روستاهای تاریخی ایران نشان می‌دهد که یکی از عوامل موثر در شکل‌گیری معماری این مناطق، انطباق مجموعه‌های ساختمانی و تک بناها با ویژگی‌های اقلیمی و زیست محیطی بستر آن‌ها بوده است (طاهباز، ۱۳۹۰: ۷). اقلیم و نوع مصالح با هم رابطه تنگاتنگی دارند. نوع مصالح اقلیم را تعریف می‌کند و اقلیم نوع مصالح را و هر دو معماری یک منطقه را (معماریان، ۱۳۸۴: ۱۵). همچنین، پیوند فرهنگ با محیط اطراف آن بخشی جدایی‌ناپذیر از ارزش‌های فرهنگی آن است (Kenney, 1994: 11). گونه‌های گوناگون آب و هوایی ویژگی‌های معماریانه خاصی را پدید می‌آورند، این عامل یک معیار هویت بخش در معماری بوده و این وجه را می‌توان لایه رو بنایی و کالبدی هویت معماری دانست (نقره کار، ۱۳۸۷: ۳۲۶). در این رابطه، هر جامعه در میان تنش‌هایی به سر می‌برد که بر اثر برخورد محیط طبیعی و فرهنگ انسانی پدید می‌آید و هر یک نیز پاسخ‌هایی معماریانه خاص خود را به آن تنش می‌دهد (کراوچ و جانسون، ۱۳۹۰: ۱۴). بنابراین، در جامعه سنتی، فرایندهای هر پیشه، تقریباً همیشه در طول تاریخ آن جامعه، نگهدارنده ساختار بوده‌اند (الکساندر، ۱۳۹۳: ۹۹).

فرهنگ هم فعالیت‌ها و هم مصنوعات و شناخت ارزش آن‌ها را در بر می‌گیرد (Oliver, 2006: 59). فرهنگ به طور مشخص از زبان، افکار، اعتقادات، سنن، قراردادهای سازمان‌ها، ابزار، روش‌های کاری، آثار هنری، مراسم مذهبی، مراسم اجتماعی و غیره تشکیل می‌شود (صالحی امیری، ۱۳۹۵: ۱۵). از نظر مردم شناسان، واژه فرهنگ مدت مدیدی است که به



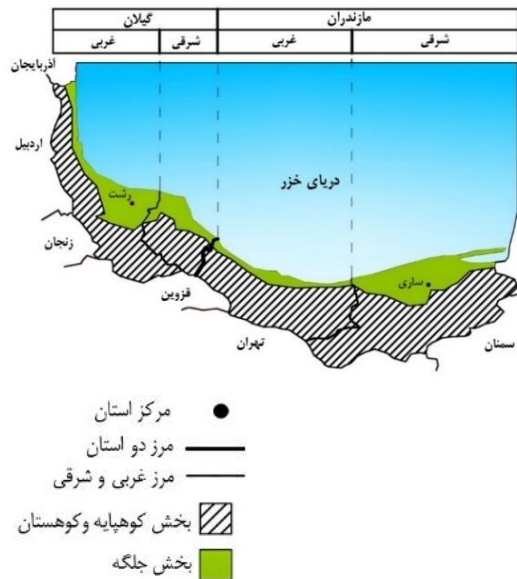
همچنین فرهنگ مردم، با ابعاد مختلف خود، بر رنگ‌ها اندازه‌ها، بر فنون ساختمانی و شیوه‌های آرایش فضا، بر نحوه ورود و طریقه حرکت و جایگزینی افراد در بنا، بر شکل خارجی فضای ساخته شده و نحوه جایگزین شدن آن در محیط طبیعی اثرگذاری مستقیم دارد (آلباگو نولو و دیگران، ۱۳۸۴: ۸۴). در گذشته، شکل و ترکیب حجمی فضاهای معماری و همچنین عناصر آن به صورت چشم‌گیری تحت تأثیر عوامل و پدیده‌های جغرافیایی و محیط طبیعی شکل می‌گرفتند و در مواردی نیز پدیده‌های فرهنگی، به ویژه در مورد بناها و فضاهای آیینی، نقش مؤثری در شکل‌گیری فضاها و عناصر معماری داشتند (سلطان زاده، ۱۳۹۳: ۴۴۹). معماری آرامگاهی در میان گونه‌های مختلف معماری جایگاه خاصی دارد. این جایگاه و اهمیت، مرهون ارتباط تنگاتنگ آن با فرهنگ عامه است (موسوی، ۱۳۷۸: ۴۳). بدین ترتیب، محیط‌هایی که حامی فرهنگ هستند، هویت فرهنگی را بیان می‌کنند (Rapoport, 2008:20). چگونگی و روش‌های پدیده دفن و همچنین چگونگی ساخت یک فضا بر روی گور افراد به صورت بارز به جهان‌بینی و نگرش افراد یک جامعه بستگی داشته است (سلطان زاده، ۱۳۸۸: ۹). در این رابطه، اعتقادات و باورهای هر جامعه و تمدن و فرهنگ مبین نوع و مختصات جهان‌بینی‌یشان (آن‌ها) می‌باشد (نقی زاده ۱۳۸۴: ۲۵). بنابراین در مورد نقش محیط و فرهنگ بر شکل‌گیری معماری می‌توان چنین گفت که عوامل اقلیمی و جغرافیایی با توجه به ویژگی محاط‌کننده بر روی فرهنگ^۶ و معماری تأثیر می‌گذارد؛ اما بخش قابل توجه‌ای از فرهنگ به واسطه ویژگی‌های غیر مادی و معنوی خود فارغ از محیط بیرونی بوده و در

معنی شیوه زندگی مردم، مجموعه الگوهای رفتاری آموخته شده، کردار و مواردی مادی اطلاق می‌گردد (هال، ۱۳۹۰: ۱۹). از طرف دیگر، هر فرهنگی تحت شرایط خاص خود و بر اساس تاریخ مبتنی بر مکان^۵ محلی خویش به بهترین وجه ممکن درک می‌شود (Liebow, 2002:147). بدین ترتیب، میراث معماری عمدتاً با فرهنگ غنی و تاریخ قدیم همراه است (Tiwari & other, 2016:1) و از آنجایی که آن‌ها (انواع معماری) محصول فرهنگ انسانی هستند و از قوانین پیروی می‌کنند، آن‌ها سازماندهی منظمی از فضا، زمان، معنا و ارتباطات را منعکس می‌کنند (Rapoport, 2006,194).

تفاوت بین انواع ساختمان‌ها در مناطق مختلف شاهدهی بر تفاوت‌های موجود در فرهنگ‌ها، آیین‌ها، شیوه‌های زندگی، و سازمان‌های اجتماعی، آب و هوا و مناظر، و مواد و فن آوری در دسترس است (Rapoport, 1969:15). هر جامعه‌ای دارای فرهنگ خاص خود است. فرهنگ شالوده معماری آن جامعه را پایه‌گذاری می‌کند و معماری آن جامعه تصور عینی آن فرهنگ می‌باشد. معماری هر جامعه مخصوص به خود آن جامعه است و خصوصیات متعلق به خود را دارا است (معماریان، ۱۳۸۴: ۱۵). فرهنگ با هدایت و جهت دادن فعالیت‌های انسان، به مثابه بستر و فضا و معنای زندگی ایفای نقش می‌کند. فرهنگ به جامعه القا می‌کند که چگونه زیست و مصرف و فعالیت کند (نقی زاده، ۱۳۸۷، ۳۸-۳۴). از طرف دیگر، معماری تجلی عینی افکار و آرزوهای انسانی و ضابط باورها و ارزش‌های فرهنگی‌ای است که به وسیله آن خلق شده است (راپاپورت، ۱۳۸۲: ۴).



دو ناحیه تقریباً مجزا تشکیل شده است. یکی ناحیه جلگه‌ای است که به صورت نوار باریک در امتداد دریا گسترش یافته و کشتزارهای وسیع و همچنین شهرهای بزرگ در این ناحیه می‌باشد. عرض این جلگه در مجاور رودخانه‌هایی مانند سفید رود، هراز، تجن و در منطقه شرق دریای خزر بیشتر است. دوم ناحیه کوهستانی شمال سلسله جبال البرز است که پوشیده از درختان جنگلی می‌باشد مصالح مورد استفاده و فرم ابنیه سنتی در این دو ناحیه تا حدودی با هم تفاوت دارند (قبادیان، ۱۳۸۲: ۳۷). در یک نگاه کلی می‌توان این دو استان را به چهار بخش مشخص یعنی گیلان غرب و شرق که رودخانه سفیدرود مرز این دو بخش است و مازندران غرب و شرقی که حد غربی آن از رامسر تا آمل می‌باشد تقسیم کرد.



شکل ۱: تقسیمات جغرافیایی و اقلیمی استان گیلان و مازندران (مأخذ: ترسیم نگارندگان).

شکل‌گیری معماری به ویژه بناهای آیینی و متبرکه همانند آرامگاه‌ها نقش اساسی دارد، به طور مثال آداب و رسوم و رفتارهای مذهبی که به عواملی غیر از اقلیم و جغرافیا مربوط می‌شود.

تاریخ و جغرافیای طبیعی کرانه جنوبی دریای خزر:

این منطقه در طول تاریخ بعد از اسلام به دلیل شرایط امن جغرافیایی و اجتماعی و مخالفت حاکمان این منطقه به خصوص بخش گیل و دیلم^۶ با خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس، سبب شد تا این سرزمین پذیرای دیدگاه مخالف با خلفا یعنی علویان که بسیاری از آنها فرزندان و نوادگان و یاران نزدیک امامان معصوم بودند، باشد. بعد از ورود مسلمانان، فعالیت مذهبی‌شان سبب آشنایی مردم و حاکمان این دیار با دین اسلام و همچنین محبوبیت آنها نزد مردم گردید. بنابراین بعد از مرگ ایشان برای بزرگداشت و احترام بنایی بر مزارشان ساخته شد (عظیمی، ۱۳۹۵؛ یوسفی، ۱۳۸۷؛ پناهی، ۱۳۹۲؛ خودزکو، ۱۳۵۴). اوج ساخت بقاع در این منطقه به دوران حکومت سادات کیایی در شرق گیلان و سادات مرعشی در مازندران می‌رسد که بعد از آن نیز تداوم می‌یابد. در این باره بسیاری از کارشناسان معتقداند که برخی بقاع قدیمی در اواخر صفویه و دوره قاجار توسعه یافته یا براساس الگوی گذشته بازسازی شده‌اند و گاهی بر محل دفن افراد مقدس بنایی جدید ساخته می‌شد (جهانی و هم‌رنگ، ۱۳۹۵؛ سلیمانی، ۱۳۹۵).

گیلان و مازندران از نظر جغرافیای طبیعی چهره‌ای متفاوت از سایر نقاط ایران دارد (پناهی، ۱۳۹۲: ۱۹). این منطقه از پر باران‌ترین و سراسبزترین مناطق اقلیمی ایران است و در تمامی فصول سال دارای بارندگی می‌باشد. با وجود عرض کم، این کرانه از



یافته‌های پژوهش و تحلیل آن‌ها

در این قسمت ابتدا به شناخت و معرفی نمونه‌ها و سپس بررسی و مقایسه تطبیقی بقاع گیلان و مازندران از دو منظر کلی فضایی و کالبدی در چهار بخش ۱- محوطه، ۲- پلان و فضای ۳- شکل بیرونی و تزیینات و ۴- مصالح و روش ساخت پرداخته می‌شود.

نمونه‌های متداول در گیلان

در توضیحی مختصر نمونه‌های متداول در غرب گیلان دارای دیوار مشبک چوبی و سقف شیب‌دار یا به صورت نیمه‌باز و فاقد دیوار هستند و در شهرهای نزدیک به شرق، در غرب گیلان همانند شهرهای رشت، لشت نشاء و فومن و در بخش شرقی گیلان بقاع ایوان‌دار با سقف شیب‌دار از دوره صفویه و قبل از آن با ستون‌های آجری هشت پهلو و در دوره قاجار با ستون‌های آجری مربع و بیشتر ستون‌های چوبی و یا ترکیبی می‌باشند. همچنین نمونه‌های بخش کوهستان جنوب غربی یعنی رودبار و عمارلو و کوهستان جنوب شرقی بخش دیلمان به شکل مربع یا هشت ضلعی گنبدی هستند که از قرن پنجم تا دوره قاجار ساخته شده‌اند که بیشتر آن‌ها بازسازی شده و فقط تصاویری آن‌ها در کتاب از آستارا تا استارباد موجود است.

نمونه‌های متداول در مازندران

در مازندران نمونه‌های متداول، بقاع یا آرامگاه‌های برجی هستند که حدوداً از چالوس تعداد آن‌ها افزایش می‌یابد. لازم به ذکر است از نظر شکلی بین نمونه‌های بخش غربی و شرقی این استان نیز تفاوت‌هایی وجود دارد.

به عقیده برخی پژوهشگران این بقاع براساس الگو متقدم خود یعنی برج‌های لاجیم و رسگت متعلق به قرن ۵ هـ ق و قبل از آن گنبد قابوس مربوط به قرن ۴ هـ ق ساخته شده‌اند (پیرنیا، ۱۳۸۳؛ سلطان زاده، ۱۳۸۸، هیلن براند، ۱۳۸۳). بیشتر جامعه آماری به قرن ۸ و ۹ هـ ق تعلق دارد، البته آرامگاه‌های برجی در دوره صفویه تداوم می‌یابند اما هیچگاه جلوه گذشته را ندارند. در دوره قاجار جهت توسعه عملکرد آرامگاه‌های برجی بخشی به آن‌ها الحاق می‌شود همچنین در دوره قاجار بقاع ایوان‌دار (بیشتر تک ایوانی) به دلیل رسوم مذهبی و فرهنگی شبیه به بقاع شرق گیلان در مازندران رواج می‌یابد.



جدول ۲: نمونه موردی انتخاب شده با فراوانی زیاد در غرب و شرق گیلان (مأخذ: نگارندگان)








ویژگی	ورودی و محیط	تصویر	تاریخ	نام بنا	محل	جغرافیا
کوچک و ارتفاع کم فضای نیمه باز و ستونی با توده (تکامل) بام شیبدار مصالح سنگ و چوب	یک ورودی شمالی چنگلی روستایی		قاجار	امام زاده کوچک تریه	-تالش -خطبه سرا -کنش ور محله و بابا سرا -کوهپایه	غرب
ارتفاع کم فضای نیمه بسته شبک چوبی بام شیبدار با پوشش سفال ابرویی مصالح سنگ و چوب	یک ورودی جنوبی گورستان روستایی		قاجار	تریه قوشه جد ترک محله	-تالش -چوکندان -کوهپایه	
ارتفاع کم چهار ایوان کم عرض مستوندار چوبی با توده (تکامل) دیوار نیمه بسته شبک چوبی مصالح سنگ و چوب	یک ورودی شمالی گورستان روستایی		قاجار	امام زاده چسلی	-سامال -روستا چسلی -کوهستانی	
ششبه به معماری بقاع سترق گیلان چهار ایوانی با ستون های آجری با بام شیبدار اتاق تدفین بسته و نقاشی مصالح آجر و ساروج و چوب	چهار ورودی در چهار جهت گورستان روستایی		قاجار	آقا سید محمد یعتی بن امام موسی کاظم (ع)	-لشت نشاء -روستا لیچاه -چلگه	
یک ایوانی با ستون آجری اتاق تدفین بسته با نقاشی روی دیوار مصالح آجر و ملات ساروج و چوب	یک ورودی شمالی -مقبره خانوادگی - گورستان شهری		صفویه	بقعه چهار پادشاهان	-لاهیجان -دشت	گیلان
چهار ایوان با ستون چوبی اتاق تدفین بسته با نقاشی روی دیوار با توده (تکامل یا سترق) بام شیبدار مصالح آجر و ساروج و چوب	دو ورودی جنوبی و شرقی گورستان روستایی		قاجار	آقا سید ابراهیم بن موسی الکاظم (ع) (با چهل ستون)	-لاهیجان -روستای زاگله بر -کوهپایه	
سه ایوان با ستون چوبی اتاق تدفین بسته با نقاشی مصالح سنگ و ملات ساروج و چوب بام شیبدار	یک ورودی جنوبی چنگلی روستایی		قاجار	بقعه باباجان دره	-املش -رانکو -کجید -روستای باباجان دره -کوهستانی	شرق
نمونه باقی مانده از چهار گوش گنبدی که در بخش های کوهستانی جنوب شرقی مصالح آجر و ملات ساروج و سنگ	یک ورودی جنوبی گورستان روستایی		قرون ششم	بقعه سید ابراهیم یا نوراز	-سیاهکل -دیلمان -روستا جلیسه -کوهستانی	

دوفصلنامه اندیشه معماری، نشریه علمی، سال سوم، شماره پنجم

بهار و تابستان ۱۳۹۸



جدول ۳: نمونه موردی انتخاب شده با فراوانی زیاد در غرب و شرق مازندران (مأخذ: نگارندگان)

ویژگی	ورودی و محیط	تصویر	تاریخ	نام بنا	محل	جغرافیا
-پلان چهارضلعی (شهرکیم) -هشت ضلعی (درویش رستم) -سی دقت و ساخت روستایی -مصاح سنگ لاشه و ملات -ساروج با اندود گچ غربال شده	یک ورودی جنوبی یک ورودی شرقی -مجموعه مقابر -روستایی		قرن ۹ تیموری	بقعه درویش شهرکیم و درویش رستم	-نوشهر -کجور -کوهستانی	غرب
-پلان هشت ضلعی -بام هرمی گنبد رک -مصالح آجر و ملات ساروج	یک ورودی شرقی -روستایی		قرن ۹ با الجات قاجار	امام زاده جعفر بن موسی	-نوشهر -کجور -روستای هزار خال -دشت	
-پلان مربع -بام هرمی با گنبد رک -مصاح سنگ لاشه و ساروج	یک ورودی شمالی -گورستان -روستایی		قرن ۹ با الجات قاجار	امام زاده ابراهیم	-نور -بلده -روستای تیرساق -کوهستانی	
-پلان مستطیل ایواندار -نورگیر و سرستون چوبی -مصالح آجر و ملات ساروج و چوب - بام شیبدار	یک ورودی شمالی -ایوان شرقی -گورستان -روستایی		قاجار با الجات پهلوی	امام زاده سید اسکندر	-نور -چمستان -میانرود -روستای باریکلا -دشت	
-پلان مربع -بام هرمی با گنبد رک -مصالح آجر و ملات ساروج با اندود گچ غربال شده	یک ورودی شرقی -گورستان -مجموعه مقابر سه بنای کوچک -روستایی		قرن ۹ با الجات قاجار و پهلوی	امام زاده قاسم	-امل -محله پایین هشتل -دشت	
-پلان دایره -بام هرمی با گنبد رک -مصالح آجر و ملات ساروج	یک ورودی شرقی -گورستان -شهری		قرن ۹ بقعه درویش فخرالدین	بقعه درویش فخرالدین	-بابل -دشت	
-پلان هشت ضلعی -بام هرمی با گنبد رک -مصالح آجر و ملات ساروج	یک ورودی شرقی -گورستان -شهری		قرن ۹ با الجات معاصر	امام زاده عباس	-ساری -جلگه	
-یک ایوانی -مصالح آجر و ملات ساروج و چوب -بام شیبدار	یک ورودی جنوب شرقی -مجموعه مذهبی یا تکیه -روستایی		قاجار با الجات معاصر	امام زاده سید ابوصالح	-قائم شهر -علی آباد -روستای سید ابوصالح -دشت	

دوفصلنامه اندیشه معماری، نشریه علمی، سال سوم، شماره پنجم

بهار و تابستان ۱۳۹۸



محوطه بقاع

همچنین معیشت ساکنین، کمبود مرکزیت شهری^۸ بیشتر در مناطق جنگلی و روستایی در کوهپایه و کوهستان قرار گرفته‌اند. در شرق گیلان بقاع را

در غرب گیلان به بقعه‌ها تربه یا همان تربت و امامزاده گفته می‌شود. تربه‌ها با توجه به کاهش پهنای جلگه و نزدیک شدن فاصله کوه تا دریا،

مازندران گاهی در کنار بقاع برجی عظیم یا اصلی برج‌های کوچکی مربوط به خاندان، نزدیکان و یا بانی بنای اصلی ساخته شده است، که با هم تشکیل یک مجموعه آرامگاه را می‌دهند همانند مجموعه آرامگاه‌های برجی در هشتل آمل و امامزاده عباس در نور آمل.

جدول ۴: مقایسه تطبیقی محوطه بقاع گیلان و مازندران (مأخذ: نگارندگان)

استان	منطقه	موقعیت بنا
گیلان	غرب	بیشتر در مناطق کوهپایه پوشیده از درختان جنگلی و روستاها به ویژه در تالش، در بخش‌های نزدیک به شرق یعنی شهرهای رشت، لشت نشاء و فومن و حومه آن‌ها در بافت و در مسیر راه‌ها.
	شرق	بیشتر در روستا و حومه شهرها از جلگه تا کوهستان مثل رودسر و املش و در شهرهایی اصلی مثل لاهیجان، لنگرود درون بافت شهری.
مازندران	غرب	بیشتر در مناطق روستایی به ویژه در بخش‌های کوهپایه و کوهستانی کجور و بلده در داخل یا خارج از بافت روستایی.
	شرق	در مناطق روستایی بخش‌های جلگه و دشت، کوهپایه و کوهستان و در شهرهای مهمی مثل آمل، بابل و ساری در بافت شهری.
جمع بندی		در گیلان و مازندران بیشتر بقاع درگورستان واقع شده اند و بیش از نیمی از آن‌ها در کنار درختان کهنسال قرار دارند. اغلب موقعیت قرار گیری بقاع در گیلان و مازندران در نواحی روستایی و خارج از محدوده شهرها بوده است (به غیر شهرهای بزرگ و حومه آن‌ها در قسمت شرقی گیلان و شرق مازندران) این موضوع در بعضی مواقع بر کیفیت ساخت، دقت و زیبایی شناسی آن‌ها تاثیر گذار بوده است.

نام‌های بزرگوار، بقعه، مزار، کوچه بوقا به معنای بقعه کوچک، پیله بوقا به معنای بقعه بزرگ، امامزاده و یا آستونه به معنای آستانه خطاب می‌کنند (پوراحمد جکتاجی، ۱۳۸۷: ۱۹). بقعه‌ها در این بخش در مرکز شهرهای مهم و بیشتر در محدوده آن‌ها یا مناطق روستایی، از جلگه تا کوهستان قرار دارند. در مازندران غربی و شرقی بقاع به صورت آرامگاه‌های برجی هستند و موقعیت قرارگیری آن‌ها همانند گیلان است؛ با این تفاوت که برج مقبره‌ها ممکن است در جنگل‌های انبوه و در مسیر راه‌های پر پیچ و خم با هدف راهنمای راه مکان یابی شوند (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۶۳-۲۶۹). در مجموع در گیلان و مازندران بنای بقاع بر اساس باورهای مردم معمولا در کنار پدیده‌های طبیعی مثل درختان کهنسال^۹، چشمه‌ها، سنگ‌ها و صخره‌های خاص و یا گورستان‌های قدیمی که از گذشته مورد احترام بوده ساخته شده‌اند (دمورگان، ۱۳۳۸؛ ستوده، ۱۳۴۹). از دیگر عناصر در محوطه بقاع به ویژه در گیلان، وجود چاه مقدس که نماد چاه زمزم می‌باشد (غلامی، ۱۳۸۷: ۶۴). بنابراین این مکان‌ها به لحاظ فرهنگی - مذهبی حتی قبل از ورود اسلام دارای اهمیت بوده‌اند. از طرف دیگر این موضوع نشان می‌دهد که ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی بر فرهنگ و معماری تاثیرگذار است. در بیشتر موارد به دلیل قداست بنای امامزاده آن محل چه در شهر و چه در روستاها تبدیل به گورستان می‌شده است (سلیمانی، ۱۳۹۵). همچنین در اطراف بقاع فضای آزاد کافی جهت برگزاری مراسمات مذهبی وجود دارد. گاهی بقعه برای دفن خاندان و نزدیکان امامزاده یا فرد مقدس توسعه یافته و یک آرامگاه خانوادگی را تشکیل می‌دهد مانند چهار پادشاهان لاهیجان در گیلان؛ در



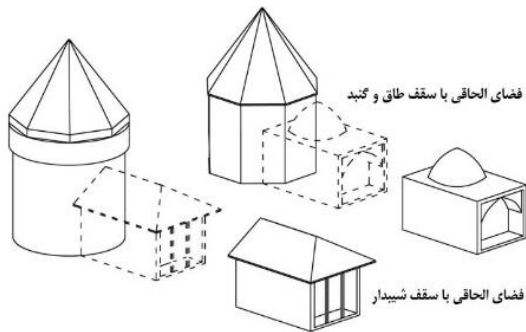
پلان و فضا

در غرب گیلان نوع اعتقادات و باورهای مذهبی^{۱۰} مردم در مورد تدفین و احداث بنا بر محل دفن افراد مقدس سبب شده تا تربه‌ها دارای دیوار مشبک چوبی^{۱۱} و فضای نیمه بسته بوده و یا به شکل فضای نیمه‌باز ستون‌دار و مسقف که فاقد دیوار و شبیه به سایه‌بان هستند ساخته شوند، بدین صورت محل دفن دیده شده و مردم می‌توانستند از دور به آن بزرگوار ادای احترام کنند (غلامی، ۱۳۸۷ الف: ۸۲). از این رو معماری آن‌ها دارای شکل برون‌گرا است. همچنین عدم حضور طولانی مدت در بنا به دلیل نوع آداب مذهبی و معیشت شیبانی و سکونت در ییلاق و قشلاق سبب شده تا بقاع این منطقه وسعت کمی داشته باشند (پوراحمدجکتاجی، ۱۳۹۵). در نمونه‌های دارای دیوار مشبک ممکن است یک یا چهارطرف تربه‌ها دارای ایوانی کم عرض حدود ۰/۸ تا ۱ متر باشد که بیشتر نقش سایه‌انداز و باران‌گیر را دارد. تربه‌های دارای یک ورودی هستند که جهت آن ثابت نیست. شکل و تناسب فضای آن‌ها مربع یا مستطیل است و محل دفن با صندوق یا ضریح آن در وسط فضا قرار دارد، همانند تربه سید محمود در جوکندان، تربه سید نیکی در هشتپر، بقعه سیده بانو در حاشیه جنگل هفت دغان، بقعه سلطان غریب بنده در رضوان شهر، امامزاده شفیع ابن موسی الکاظم در شاندرمن بقعه آقا سیدرضا علی و مهرعلی ابنان موسی الکاظم در شالمای ماسال. نمونه‌های اندکی در غرب گیلان دارای دیوار آجری با گنبد داخلی شبیه به بقاع شرق گیلان هستند مانند تربه امام سلطان محمود شاه دینوری و بقعه بابا حاج علی تالش و بقعه خواهر امام در رشت؛ از نمونه‌های کمتر متداول دیگر بقعه پیر قطب الدین در آستارا که به

صورت یک فضای تدفین مجموعه‌ای است و بقعه شیخ تاج الدین محمود خیوی در آستارا که بصورت چهار گوش گنبدی بسته متاثر از معماری استان غربی یعنی اردبیل است و بقعه زین الدین بن علی علیه السلام و بقعه عین الدین بن علی علیه السلام در روستای اشکلت در راه فومن به ماسوله و بقعه عون ابن علی در ماسوله که پلان هشت ضلعی و احتمالاً دارای گنبد رک بوده است. همچنین امامزاده سید صفی الدین سید اسمعیل ابن سید عباس بن شیخ صفی الدین اردبیلی در میر محله ماسال که دارای چند فضا و با دیوار مشبک چوبی است. از نمونه‌های دیگر بقعه‌ای در کواله پشته ییلاق ماسال است که به شکل یک کلبه با دیوار سنگی است و بقعه سید احمد و سید ابوالقاسم در نهزم شفت که دارای یک سالن پنج دری و نیم طبقه است. بقعه سید ابولقاسم در محله سید ابوالقاسم و بقعه سید عباس و سید اسمعیل در محله ساغرسازان در رشت که به صورت چند فضایی هستند (ستوده، ۱۳۴۹). بقاع شهرهایی غربی گیلان^{۱۲} که نزدیک شرق گیلان هستند و خود بقاع شرقی به سبب فرهنگی و اهمیت مراسمات مذهبی^{۱۳} و بزرگداشت امامزادگان و افراد مقدس دارای فضای وسیع‌تر بوده و تعداد آن‌ها نیز بیشتر می‌باشد. البته این موضوع به اهمیت شخصیت دفن شده و میزان مراجعت مردم نیز بستگی دارد (همان). در این منطقه اتاق تدفین به صورت بسته و درون‌گرا است، که یک تا چهار طرف آن‌ها با فضای نیمه‌باز و عریض ایوان‌ها^{۱۴} احاطه شده است. ایوان‌ها برای حضور افراد، برگزاری مراسم و استراحت زائرین همچنین به لحاظ اقلیمی جهت ایجاد شرایط آسایش با کوران هوا و محافظت بنا از نزولات جوی کاربرد دارند، بنابراین ایوان‌ها حالت برون‌گرا دارند.



و از آن مهمتر به مقبولیت عمومی این شکل به خصوص در قرن ۸ و ۹ هـ ق یعنی زمانی که مرعشیان در این منطقه حکومت می‌کردند مربوط است. فضای آرامگاه‌های برجی از وسعت کمتری نسبت به نمونه‌های شرق گیلان برخوردار هستند به همین خاطر در اواخر صفویه و دوره قاجار بخشی به نام زیارت خان به آن‌ها الحاق می‌گردد که شامل یک ایوان ورودی، کفش کن و اتاق برگزاری مراسم است (راعی، ۱۳۹۰: ۸۳).



شکل ۲: بخش الحاق شده برای توسعه فضای مقابر برجی مازندران که در دوره قاجار صورت گرفته است (مأخذ: نگارندگان)

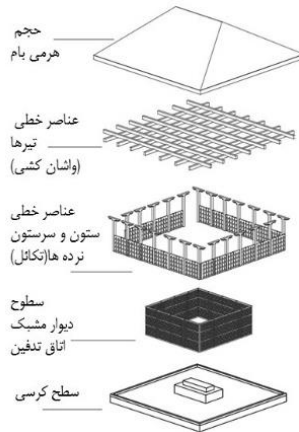
بطور کلی آرامگاه‌های برجی غربی و مناطق کوهستانی از بقاع برجی شرقی که به مرکز حکومتی نزدیک هستند کوچکتراند. شکل فضای برج‌ها به ترتیب فراوانی در اشکال هشت ضلعی، مربع و دایره است که البته نوع دایره‌ای شکل در غرب مازندران وجود ندارد. در این زمینه، شاید دیرپاترین این اشکال که مورد پسند عام واقع شده، انواع هشت ضلعی بوده است (کیانی، ۱۳۸۳: ۷۲). صندوق و ضریح در وسط فضا قرار می‌گیرد و شکل پلان دارای سازماندهی مرکزی است (سلیمانی، ۱۳۹۵). بیشتر برج‌ها دارای یک ورودی و معمولاً در جهت شرقی هستند و با توجه به شکل بسته خود حالت درونگرا دارند. در دوران قاجار بقاع ایوان‌دار با طرح مستطیل

به طور کلی شکل فضا به صورت مربع با سازماندهی مرکزی است (خاکپور، ۱۳۹۲: ۸۲). بقاع بخش کوهستان جنوب غربی و کوهستان جنوب شرقی گیلان به دلیل مجاورت با استان‌های آن سوی رشته کوه البرز و شرایط اقلیمی، جغرافیایی، فرهنگی و باورهای مذهبی مشابه با آن‌ها به شکل مربع یا هشت ضلعی گنبدی ساخته شده‌اند؛ بنابراین دارای فضای تدفین بسته در زیر گنبدخانه بوده و حالت درونگرا دارند مانند نمونه‌ها در کوهستان جنوب غربی یعنی بقعه روستای فیله رودبار، بقعه امامزاده ابراهیم در روستای حرزویل، بقعه زرین تاج در قبرستان بالا محل منجیل، امامزاده محمد حنفیه و حمزه ابن موسی الکاظم علیه السلام در روستای بیورزن عمارلو، امامزاده طیب و طاهر در روستای پاکده فاراب عمارلو، امامزاده علی اصغر و علی عسکر در روستای جیربنده فاراب عمارلو (ستوده، ۱۳۴۹) و نمونه‌ها در کوهستان جنوب شرقی مثل بقعه پیر محله در رودسر و بقعه امامزاده ابراهیم معروف به امامزاده تورار، امامزاده محمد و هادی در روستای شاه شهیدان و امامزاده هادی در روستای میکال واقع در دیلمان، بقعه آقا سید ابوالحسن ابن امام موسی الکاظم برقلعه کوه گرده کول (ستوده ۱۳۵۱). چند نمونه کمتر متداول در شرق گیلان وجود دارد که دارای هندسه خاص‌تر و گنبد داخلی هستند مثل بقعه آقا پیر جنگی در بازکیاگوراب لاهیجان یا بقعه میر شمس‌الدین و پیرعلی در مرکز شهر لاهیجان و یا مجموعه سر تربت در رانکوه شهرستان املش که دارای پلان مستطیل شکل متشکل از یک ورودی و حیاط و دو اتاق تدفین است (همان).

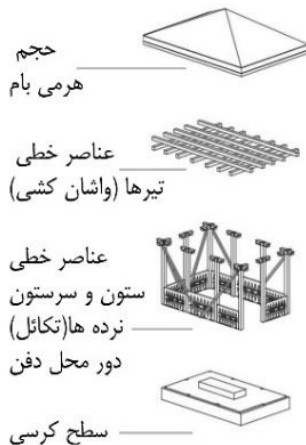
در مازندران به ویژه بعد از محدوده چالوس آرامگاه‌های برجی به صورت گسترده رواج می‌یابند، این مسئله به شرایط محیطی کمی خشکتر این استان



ستون و سرستون‌های چوبی قرار دارد تشکیل شده است.



شکل ۳: عناصر فرمی تربه‌ها با جداره مشبک و نیمه بسته و ایوان‌های کم عرض در غرب گیلان، امامزاده چسلی ماسال (مأخذ: نگارندگان)



شکل ۴: عناصر فرمی تربه‌های کوچک با شکل نیمه باز ستون‌دار و فاقد دیوار در غرب گیلان، امامزاده کیچیک تربه تالش (مأخذ: نگارندگان)


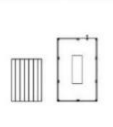
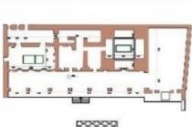
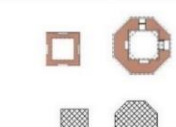
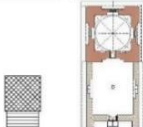


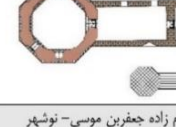

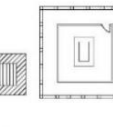
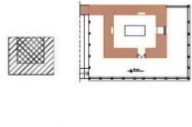
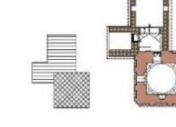
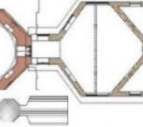
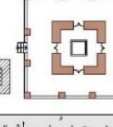
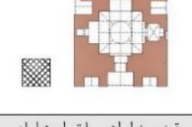
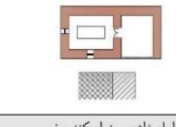
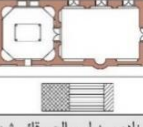
شکل در مازندران رواج می‌یابد که دارای یک ایوان با کفش‌کن، اتاق برگزاری مراسم و اتاق تدفین می‌باشند همانند امامزاده سید اسکندر در نور و امامزاده سید ابوصالح و امامزاده ذکریا در قائم شهر. لازم به ذکر است تا محدوده چالوس^{۱۵} در غرب مازندران و آمل بقاع ایوانی مشابه بقاع شرق گیلان دیده می‌شود همانند بقعه امامزاده حقانی در کلاردشت و امامزاده فضل‌الله ورودی روستا کندلوس نوشهر و بقعه طاووس خاتون در آمل (ستوده، ۱۳۵۳). بطور کلی تفکیک فضای زنان و مردانه در بقاع گیلان و مازندران وجود نداشته و همگان با احترام و رعایت شئونات وارد فضا می‌شوند (پورا احمد جکتاجی، ۱۳۹۵). نمونه‌های کمتر متداول در مازندران مشهد میر بزرگ در آمل و امامزاده شمس الدین ساری در روستای کوات در بخش کوهستانی که مربوط به دوره صفویه بوده‌اند و از نظر فرم و فضا از شکل خاصی برخوردارند.

شکل بیرونی و تزیینات

تربه‌ها و امامزاده‌ها در غرب گیلان به دلیل باورهای ساکنین بسیار ساده هستند و ارتفاع کمی دارند، شکل یا فرم آن‌ها تشکیل شده از یک بام شیب‌دار با حجم هرمی و یک اتاق تدفین مکعب یا مکعب مستطیل با سازماندهی مرکزی یا خطی که دیوارهای آن به صورت پوسته مشبک چوبی با طرح هندسی است که جنبه تزیینی نیز دارد و چنانچه یک تا چهار طرف آن‌ها ایوان گردد با عناصر خطی ایوان یعنی نرده‌ها به نام تکائیل، تیرها، ستون‌ها و سرستون‌های چوبی ترکیب می‌شوند. نوع دیگر تربه‌ها که بسیار کوچک و فاقد دیوار هستند، از یک بام با حجم هرمی که بر روی تیرها،



جدول ۵: مقایسه تطبیقی فضایی در پلان بقاع گیلان و مازندران (مأخذ: نگارندگان)

استان قسمت	گیلان		مازندران		
	غربی	شرقی	غربی	شرقی	
شمال 					
	امام زاده کبچیک تربه-تالش	بقعه چهاربادشاهان-لاهیجان	بقعه درویش شهرآکیم(مربع) و درویش رستم(هشت ضلعی)- نوشهر	امام زاده قاسم -أمل	
	طرح ستونی-چوبی	طرح یک ایوانی-ستون آجری	طرح هشت و مربع-کوچک-سنگی	طرح مربع-دیوار آجری	
					
	تربه قوشه جد ترک محله-تالش	آقاسید ابراهیم(چهل ستون)	امام زاده جعفرین موسی-نوشهر	بقعه درویش فخرالدین	
	طرح دیوار مشبک چوبی	چهار ایوانی - ستون چوبی	طرح هشت -دیوار آجری	طرح دایره-دیوار آجری	
	نمونه‌ها				
		امام زاده چلسی-ماسال	بقعه باباجان دره -املش	امام زاده ابراهیم-نور	امام زاده عباس-ساری
		طرح ایوانی و دیوار مشبک چوبی	طرح سه ایوانی-ستون چوبی	طرح مربع-کوهستانی-دیوار سنگی	طرح هشت ضلعی -بزرگ- دیوار آجری
					
آقا سید محمد یمنی- لشت نشاء		بقعه سید ابراهیم یا توران-دیلمان	امام زاده سید اسکندر-نور	امام زاده سید ابوصالح- قائم شهر	
طرح ایوانی مشابه با شرق گیلان		طرح چهار گوش گنبدی-کوهستانی	طرح یک ایوانی-ستون چوبی	طرح یک ایوانی با شبستان-ستون چوبی	
نوع فضا		فضای بسته تدفین	فضای بسته تدفین	فضای بسته تدفین	فضای بسته تدفین
		فضای نیمه باز تدفین	فضای نیمه باز ایوان	فضای نیمه باز ایوان	فضای نیمه باز ایوان
ارتباط با بیرون		فضای نیمه باز ایوان	فضای بسته تدفین	فضای بسته تدفین	فضای بسته تدفین
		برونگرا	در ایوان برونگرا در اتاق تدفین درونگرا	در داخل درونگرا-در بیرون برونگرا	در داخل درونگرا-در بیرون برونگرا
هندسه و تناسبات	مربع و مستطیل-تناسبات فضایی	مربع - تناسبات فضایی ۱ به ۱	هشت ضلعی-مربع- مستطیل(ایوانی)	هشت ضلعی-مربع-دایره- مستطیل(ایوانی)	
	۱ به ۱ و ۱/۵	۱۵۰-۴۵ متر مربع	۵۹-۹ متر مربع حدود ۶۰-۳۵ درصد به دیوارها اختصاص دارد	۱۰۵-۱۸ متر مربع حدود ۶۰-۳۵ درصد به دیوارها اختصاص دارد	

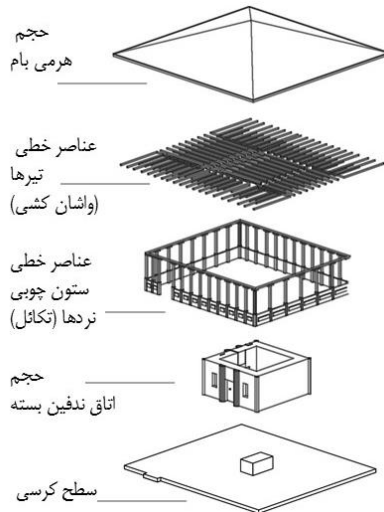
دوفصلنامه اندیشه معماری، نشریه علمی، سال سوم، شماره پنجم

بهار و تابستان ۱۳۹۸

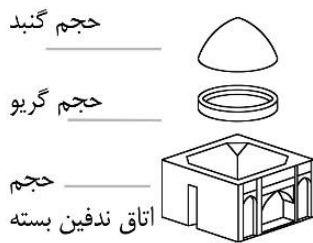


باشد و با توجه به فضای ایوان، با ریتم و تکرار عناصر خطی نرده‌ها به نام تکائول یا صُراحی، تیرها و ستون‌های چوبی یا آجری و سرستون‌های چوبی تزیین شده با کنده‌کاری ترکیب می‌شود لازم به ذکر

عناصر فرمی بقاع شهرهای غربی نزدیک به شرق (رشت، لشت نشاء و فومن) و خود شرق گیلان عبارت‌اند از حجم مکعبی اتاق تدفین بسته که ممکن است دارای گنبد داخلی^{۱۶} یا به صورت تیر پوش

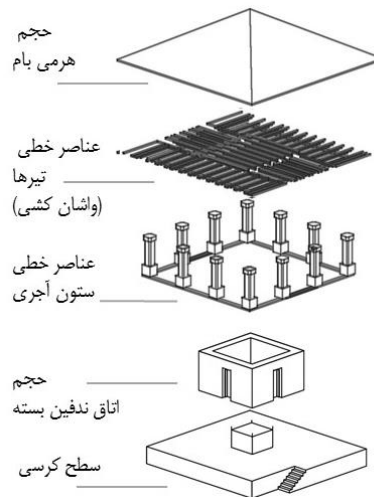


شکل ۶: عناصر فرمی بقعه‌های ایوان دار با ستون چوبی در شرق گیلان، آقاسید ابراهیم یا چهل ستون لاهیجان (مأخذ: نگارندگان)



شکل ۷: عناصر فرمی بقعه‌ها در کوهستان جنوب غربی و شرقی گیلان، امامزاده توران دیلمان (مأخذ: نگارندگان) بطور کلی بیشتر بقاع گیلان دارای تناسب افق‌گرا هستند و با اینکه به عقیده برخی پژوهشگران شباهت زیادی بین آنها و معماری خانه‌های روستایی دیده می‌شود (خاکپور، ۱۳۹۲ و سلطان زاده، ۱۳۸۸)، اما به نظر می‌رسد این عناصر با توجه به اقلیم جنبه کاربردی داشته است، علاوه بر اینکه کیفیت این عناصر از نظر اندازه و تراکم به گونه‌ای است که باعث شاخص شدن و تشخیص آنها از سایر ابنیه می‌گردد، به خصوص در غرب گیلان که دارای شکل متفاوتی می‌باشند. نمونه‌های کمتر متداول که دارای گنبد شبیه رک هستند عبارت‌اند از بقعه شیخ

است بقاع این منطقه از تجمل بیشتری برخوردارند و به طور کلی تزیینات^{۱۷} در گیلان بر روی عناصر چوبی مثل بدنه ستون‌ها با طرح لاج لنگری، سرستون‌ها و تیرهای لبه بام به نام شیر سر به کار رفته است، که تمام این عناصر در زیر بام شیب‌دار با حجم هرمی قرار گرفته‌اند (ستوده، ۱۳۵۱). از دیگر عناصری که در شرق گیلان نقش تزیینی و مفهومی دارد، ترسیم نقاشی^{۱۸} و متون مذهبی بر جداره‌های اتاق تدفین بیشتر بقاع است که بر حال و هوای آیینی و مذهبی بنا می‌افزاید. در بخش کوهستان جنوب غربی و جنوب شرقی گیلان عناصر فرمی بقاع گنبدخانه‌ای عبارت‌اند از احجام مکعبی یا هشت پهلوی که بر روی آن حجم گریو کوتاه و گنبد ناری قرار می‌گیرد. از نظر زیبایی به علت قرارگیری در بافت روستایی اغلب آنها بسیار ساده‌اند و از کیفیت و دقت ساخت پایینی برخوردارند. بقاع این مناطق دارای سازماندهی مرکزی هستند.



شکل ۸: عناصر فرمی بقعه‌های ایوان‌دار با ستون آجری در شهرهای غربی نزدیک به شرق، آقا سید محمد یمنی لشت نشاء (مأخذ: نگارندگان)



زاهد لاهیجان، بقعه امامزاده محمد و هادی در نزدیک روستای شاه شهیدان دیلمان که از دور تأکید بر خط عمود دارد. لازم به ذکر است بقاع مناطق دور و کوهستانی گیلان به دلیل اقلیم و مصالح موجود از نظر ابعاد کمی کوچکتر هستند و از ارتفاع آن‌ها کمتر است.



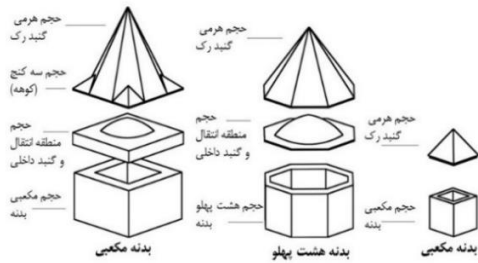
شکل ۸: تزیینات و عناصر اصلی در غرب گیلان، امامزاده چسلی ماسال (مأخذ: نگارندگان)



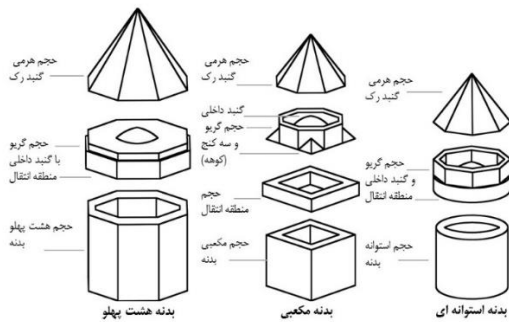
شکل ۹: تزیینات و عناصر اصلی در شرق گیلان، بقعه باباجان دره املش (مأخذ: نگارندگان)

شکل عمومی یافته در مازندران به دلیل رواج آرامگاه‌های برجی متفاوت با گیلان است و عناصر فرمی احجام هستند که در نمای سه قسمتی آن‌ها ملاحظه می‌گردد. قسمت اول بدنه است که با توجه به شکل نقشه دارای سه حجم مکعبی، هشت پهلو با فرورفتگی طاق نما، قاب بندی افقی در بدنه و قاشقی‌های عمودی در کنج‌ها و حجم استوانه‌ای بوده و قسمت دوم شکل بخش انتقال به گنبد که نقش تزیینی را نیز دارد که از پر و خالی و تکرار

پتکانه‌ها به نام سینه کفتری یا کاسه‌سازی و در بالا ریتیم نیم شمسه‌ها و ردیف آجر چرخیده معروف به دندان یا پنجه موشی، تشکیل شده است و قسمت سوم بعد از حجم گریو، خود گنبد است که به شکل رُک با حجم هرمی یا مخروطی است که علاوه بر شکل نمادین برای دفع نزولات جوی نیز مناسب است (راعی، ۱۳۹۰ و مهندسین مشاور معماری و شهرسازی آمیس پارس ۱۳۸۶). آرامگاه‌های برجی دارای سازماندهی مرکزی هستند که با ایجاد بخش الحاقی مستطیل شکل در اواخر صفویه و دوره قاجار دارای یک محور طولی در مقابل ورودی شده‌اند.

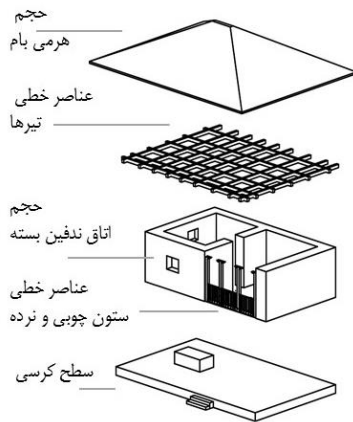


شکل ۱۰: عناصر فرمی آرامگاه‌های برجی در غرب مازندران، از چپ به راست: امامزاده ابراهیم نور، امامزاده جعفرنوشهر، بقعه درویش شهراکیم نوشهر (مأخذ: نگارندگان)

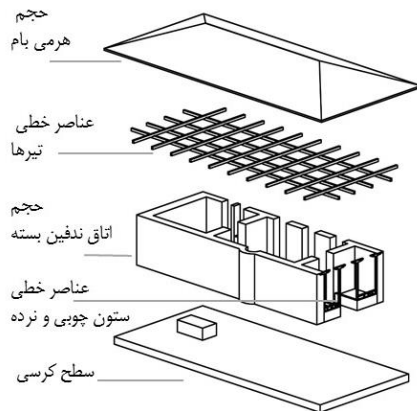


شکل ۱۱: عناصر فرمی آرامگاه‌های برجی در شرق مازندران، از چپ به راست: امامزاده عباس ساری، امامزاده قاسم آمل، بقعه درویش فخرالدین بابل (مأخذ: نگارندگان)





شکل ۱۴: عناصر فرمی بقاع یک ایوانی (دوره قاجار) در غرب مازندران، امامزاده سید اسکندر نور (مأخذ: نگارندگان)

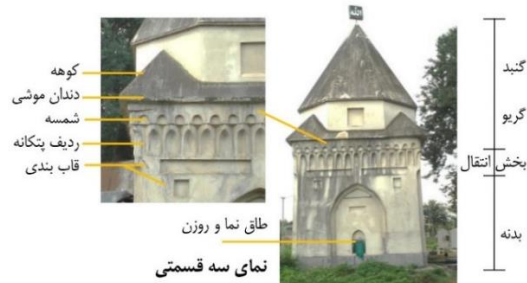


شکل ۱۵: عناصر فرمی بقاع یک ایوانی (دوره قاجار) در شرق مازندران، امامزاده سید ابوصالح قائم شهر (مأخذ: نگارندگان)

لازم به ذکر است آرامگاه‌های برجی مازندران در مناطق غربی، کوهستانی و آن‌هایی که دوره صفویه ساخته شده دارای حجم کوچکتری هستند و اغلب یکی از سه قسمت بخش انتقال به گنبد در آن‌ها حذف شده است و بیشتر حالت ساخت روستایی دارند یعنی از نظر مصالح، دقت ساخت و زیبایی هیچ‌گاه به سطح آرامگاه‌های شهرهای شرقی و حومه آن‌ها، به ویژه در زمان حکومت سادات مرعشی در



شکل ۱۲: تزئینات و عناصر اصلی در غرب مازندران، بقعه درویش شهر اکیم و درویش رستم نوشهر (مأخذ: نگارندگان)

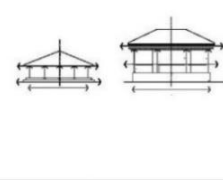
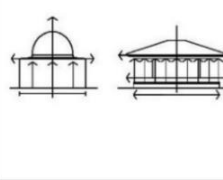
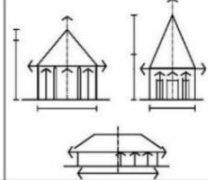
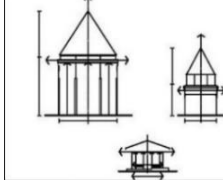










شکل ۱۳: تزئینات و عناصر اصلی در غرب مازندران، امامزاده قاسم هشتل در آمل (مأخذ: نگارندگان)

به طور کلی به لحاظ فرهنگی تمام تاکید بر شکل بیرونی آرامگاه‌های برجی است و شاخص شدن در محیط با تناسبات^{۱۹} عمودی در آن‌ها اهمیت دارد، این در حال است که ارتفاع زیاد برج‌ها در داخل توسط گنبد خالی ناری تلطیف می‌گردد (سلیمانی، ۱۳۹۵). ویژگی‌های شکلی و تزئینی بقاع ایوانی دوره قاجار در مازندران تا حد زیادی به مانند نمونه‌های شرق گیلان است و تزئینات آن‌ها نیز در عناصر چوبی مثل بازشوها، صندوق و ضریح به کار رفته است.



جدول ۶: مقایسه تطبیقی فرم و شکل بیرونی بقاع گیلان و مازندران (مأخذ: نگارندگان)

استان	گیلان		مازندران	
	غربی	شرقی	غربی	شرقی
عناصر فرمی	عناصرخطی، سطح مشبک، حجم بام	عناصرخطی، حجم بام در بقاع ایوانی	حجم در بقاع برجی خطی و حجم بام در بقاع ایوانی	حجم در بقاع برجی عناصرخطی - حجم بام در بقاع ایوانی
سازماندهی	خطی - مرکزی	مرکزی	مرکزی - خطی (ایوانی)	مرکزی - خطی (ایوانی)
زیبایی‌شناسی				
	تبادل عناصر عمودی و افقی - تقارن - افق گرابی - نیمه شفاف - پر و خالی زیاد	تبادل عناصر عمودی و افقی - تقارن - افق گرابی - پر و خالی زیاد	تبادل عناصر عمودی - تقارن - عمود گرابی - تناسبات ۱ به ۱ تا ۱ به ۲/۵	تبادل عناصر عمودی - تقارن - عمود گرابی - تناسبات ۱ به ۱ تا ۱ به ۲/۵
نمونه نما				
	کچیجک توربه - تر به قوشه جید	چهار یادشاهان - آقاسید ابراهیم	بقعه درویش رستم و شهرکیم - سید اسکندر	امام زاده قاسم - بقعه درویش فخرالدین
				
	امام زاده چالی - سید محمد یمنی	بقعه باباجان دره - سید ابراهیم	امام زاده عباس - امام زاده سید ابوسالچ	امام زاده عباس - امام زاده سید ابوسالچ

قرن ۸ و ۹ هـ ق نمی‌رسد؛ گویی الگوی آرامگاه‌های برجی به یک عرف برای بناهای تدفین افراد شاخص در مازندران تبدیل شده که در هر منطقه‌ای با توجه به امکانات موجود و با هر کیفیت و مقیاسی آن را به کار برده‌اند. در مورد برج‌های مکعبی بعد از بخش انتقال به گنبد، حجم هرمی گوشه سازی‌های بیرون زده به نام کوهه یا سه کنج و حجم گریو هشت پهلو قرار دارد که باعث عظمت بیشتر بنا می‌گردد لازم به ذکر است که در مقابر غربی حجم گریو حذف شده است.

مصالح و روش ساخت

در غرب گیلان به دلیل قرارگیری تر به‌ها و امام‌زاده‌ها در مناطق جنگلی و کوهپایه‌ای مصالح اصلی به کار رفته چوب است که در ساخت تیرها، ستون‌ها، دیوارهای مشبک با گره چینی هندسی و خرپای سقف شیبدار به کار رفته است. پی و پایه بنا از سنگ و گل بوده و برای پوشش بام از سفال

آبرویی شکل در مناطق نزدیک به جلگه و تخته‌های چوبی به نام لت یا لت سر در مناطق کوهپایه و کوهستان استفاده شده است (جهانی و هم‌رنگ، ۱۳۹۵). اما در شرق گیلان در مناطق جلگه و دشت مصالح برای ساخت پی و پایه بنا، دیوارها و در بعضی نمونه‌های قبل دوره قاجار برای ستون‌ها و گنبد داخلی (با گوشه سازی و سه کنج) آجر و ملات ساروج^{۲۰} استفاده شده است، اما در مناطق کوهستانی متناسب با محیط از سنگ لاشه و ملات گل یا ساروج به کار رفته است. در این منطقه از چوب برای ساخت ستون‌های ایوان و سرستون‌ها، تیرها با نام و اشان و تخته‌های بین تیرها به صورت پل کوبی و درزپوش بین تخته‌ها استفاده کرده‌اند. پوشش بام در مناطق جلگه و دشت سفال نیم کوزه و در مناطق کوهپایه و کوهستان لت سر می‌باشد. برای اندود دیوارها از ملات کاه گل، آهک و یا گچ استفاده شده است (همان). در بخش کوهستان



جنوب غربی و شرقی بقاع گنبدخانه‌ای به دلیل همجواری با مناطق مرکزی ایران و شرایط فرهنگی و محیطی مشابه با تکنیک طاق و گنبد و از مصالح آجر، سنگ لاشه و یا خشت ساخته‌اند.

در مازندران مصالح غالب برای کل سازه آرامگاه‌های برجی در مناطق جلگه و دشت آجر و ملات ساروج و در کوهپایه و کوهستان سنگ لاشه و ساروج است که از روش گوشه سازی یا گوشواره برای ساخت گنبد رُک^{۲۱} استفاده کرده‌اند، زیرا کاربرد پوشش شیب‌دار رُک در این منطقه با الزامات اقلیمی هماهنگی داشته است (معماریان، ۱۳۹۱: ۵۰۸). برای بندکشی از ملات محلی به نام گرزمال^{۲۲} و برای اندود داخلی و خارجی از ملات گچ غربال شده یا آهک استفاده می‌کردند (مهندسین مشاور معماری و شهرسازی آیمیس پارس، ۱۳۸۶: ۲۵۳). مصالح و روش ساخت بقاع ایوانی در مازندران به مانند شرق گیلان است. بطور کلی عناصر جانبی و وابسته مثل بازشوها، صندوق و ضریح در بقاع گیلان و مازندران از چوب بوده که به روش گره سازی، منبت یا کنده کاری ساخته و تزیین شده‌اند.

نتیجه‌گیری

آرامگاه اشخاص مقدس جزء بناهای آیینی و متبرک در دوران اسلامی است و می‌توان گفت این نوع عملکرد در ایران بعد از مساجد از اهمیت خاصی برخوردار است، به خصوص در کرانه جنوبی دریای خزر که به دلایل تاریخی- فرهنگی و جغرافیایی که ذکر آن رفت، این گونه بناها از فراوانی بیشتری برخورداراند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد تفاوت‌های موجود در معماری نمونه‌های متداول یعنی با فراوانی زیاد در بخش‌های مختلف استان گیلان و مازندران نشان دهنده نقش محیط و فرهنگ در شکل‌گیری

معماری آرامگاه‌ها در این خطه است. از طرف دیگر وجود نمونه‌های کمتر متداول یعنی فراوانی کم در محیط‌های مشابه در کنار گونه‌های متداول مزید بر نقش عوامل فرهنگی است، که با توجه به موضوع تحقیق در این نوشتار آداب و رسوم مذهبی، رفتارهای مربوط به تدفین و دیدگاه جامعه نسبت به گرامی داشت بزرگان مذهبی و اشخاص دارای کرامت در ارجحیت قرار می‌گیرد. به این ترتیب در مورد محوطه و موقعیت قرار گیری مشاهده می‌شود که اغلب بقاع در کنار درختان قدیمی و سنگ‌های خاص یا پدیده‌های طبیعی دیگر مثل چشمه‌ها بنا شده‌اند که این امر به باورهای و اعتقادات مردم که از گذشته تحت تاثیر محیط طبیعی و فرهنگ پدید آمده، مربوط می‌شود. در مورد آرامگاه‌های برجی مازندران علاوه بر موارد ذکر شده راهنمای راه بودن در جنگل‌ها و کوهستان‌ها به دلیل موقعیت جغرافیایی و عوامل اقلیمی مثل بارش کمتر نیز اضافه می‌گردد. همچنین تبدیل به گورستان شدن اطراف بقاع و ایجاد چاه در کنار آن‌ها از دیگر تاثیرات باورهای فرهنگی است. بررسی شکل فضا و کالبد نشان می‌دهد در غرب گیلان ساخت دیوارها مشبک چوبی یا عدم وجود دیوار برای تُربه‌ها و امامزاده‌ها جهت دیده شدن محل دفن و عرض احترام از دور، همچنین سادگی و وسعت کم فضای آن‌ها به واسطه عدم حضور طولانی برای برگزاری مراسمات به آداب، رسوم و باورهای مذهبی مربوط می‌گردد و استفاده از ساختار و تزیینات چوبی و وجود سقف شیب‌دار در این منطقه تحت تاثیر اقلیم است. این درحالی است که در شرق گیلان بقاع با ایوان‌های وسیع و اتاق تدفین بسته متداول هستند که برخلاف فرهنگ غرب گیلان جهت برگزاری مراسم و حضور



طولانی در فضای آرامگاه است، که در ترکیب با نقاشی‌های مذهبی رسم شده بر جداره اتاق تدفین بر حال و هوای معنوی و مذهبی آرامگاه می‌افزاید. از سوی دیگر وجود ایوان به دلیل نیاز به کوران برای ایجاد شرایط آسایش جهت انجام فعالیت‌ها، استفاده فراوان از چوب و سقف شیب‌دار به اقلیم و محیط طبیعی ارتباط دارد. از دیگر نشانه‌های تاثیر فرهنگ در غرب گیلان، بقاع شهرهای تحت حاکمیت یا هم‌مرز با شرق گیلان مانند لشت نشاء، رشت و فومن است که معماری آن‌ها مشابه با بقاع ایوان‌دار و دارای نقاشی شرق گیلان است. همچنین در بخش کوهستان جنوب غربی و شرقی گیلان به دلیل موقعیت جغرافیایی و شرایط محیطی مشابه با مناطق دیگر (قزوین و زنجان) و نفوذ فرهنگی آن‌ها، معماری بقاع به شکل مربع یا هشت ضلعی گنبدی و با مصالح سنگ، خشت یا آجر که در این منطقه موجود است، شکل گرفته است. رواج آرامگاه‌های برجی در مازندران به لحاظ تاریخی به خصوص در قرن ۸ و ۹ هـ.ق با وجود شرایط محیطی تقریباً مشابه با گیلان نشان دهنده تاثیرات فرهنگی و مقبولیت برج‌ها به عنوان بنای تدفینی در این استان است به طوری که سبب شده در هر منطقه متناسب با امکانات موجود و با هر کیفیت و مقیاسی این شکل را بر مزار افراد شاخص بنا کنند به عبارت دیگر در یک دوره زمانی و براساس باورها و اعتقادات مردم این شکل تبدیل به الگو و عرف جامعه شده است. در این رابطه رواج بقاع ایوانی در دوره‌ی قاجار شبیه به نمونه‌های شرق گیلان در قسمت‌های مختلف مازندران به ویژه بخش غربی و هم‌مرز با شرق گیلان می‌تواند این موضوع را تصدیق کند. این در حالی است که، ساخت بقاع برجی و یا حتی گنبد رک که متناسب با اقلیم این

کرانه می‌باشد، به غیر از دو مورد استثناء همانند بقعه شیخ زاهد در لاهیجان و عون ابن علی در ماسوله، هیچ‌گاه به لحاظ فرهنگی در گیلان مورد مقبولیت عام قرار نگرفته است. از طرف دیگر وجود اختلاف در اندازه، کیفیت و روش ساخت بین آرامگاه‌های برجی غرب و شرق و بخش‌های جلگه و کوهستان مازندران و بقاع مناطق جلگه‌ای و کوهستانی در شرق گیلان از دیگر ویژگی‌هایی است که تحت تاثیر فرهنگ و امکانات موجود در محیط است. همچنین تاثیر عوامل محیطی سبب شده تا مصالح ساخت در غرب و مناطق کوهستانی مازندران به مانند گیلان بیشتر از سنگ لاشه و ساروج بوده و در مناطق شرقی و دشت از آجر و ساروج استفاده شده است. بنابراین در مورد مصالح، محیط و مناطق جغرافیایی نقش اساسی دارد که در این خطه می‌توان آن را به دو قسمت کلی جلگه- دشت و کوهپایه- کوهستان تقسیم کرد اما روش ساخت اغلب در ارتباط با شکل رواج یافته است.

تشکر و قدردانی

از آقای محمد تقی پوراحمد جکتاجی مدیر مسئول نشریه گیلوا و آقایان ولی جهانی و بهروز هم‌رنگ کارشناسان سازمان میراث فرهنگی گیلان و آقای سعید سلیمانی کارشناس سازمان میراث فرهنگی مازندران جهت کمک‌هایشان کمال تشکر را داریم.

پی‌نوشت‌ها

ماخذ نقشه‌ها و تصاویر به ترتیب فراوانی، بدین قراراند؛ اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان‌های گیلان و مازندران، مهندسیین مشاور معماری و شهرسازی آبمیس پارس و نگارندگان.



۱۰. زیرا بخش غربی گیلان تا قبل از دوره صفویه و حتی بعد از آن در بعضی از شهرها مثل بخش‌هایی از تالش به دلیل ارتباط با استان غربی یعنی اردبیل دارای مذهب سنی بوده است (عظیمی، ۱۳۹۵).

۱۱. چهار طرف اتاق مرکزی با دیوارهای مشبک چوبی احاطه می‌شد که به آن معجر می‌گفتند (غلامی، ۱۳۸۷ الف: ۶۰) یا محجر (ستوده، ۱۳۴۹).

۱۲. مانند بقعه آقا سید عبدالله ابن موسی ابن جعفر (ع) در روستای کلرم فومن، بقعه آقا سید فخرالدین معرف به بقعه آفانرا در محله آفخرای رشت، بقعه درویش محمد در خشک بیجار خمام و امامزاده احمد در روستای گیلوای کوچصفهان در حاشیه رشت، بقعه آقا سید محمد یمنی ابن امام موسی کاظم (ع) و آقا سید امیرکیا روستای ولم در لشت نشاء و بقعه آقا سید محمد رضا (شالی مزار) روستای جورشر و بقعه آقا سید عبدالله در بالای جورشر و بقعه سید علی کیا در دهکده اژدها بلوچ لشت نشاء با ایوان و ستون‌ها چوبی؛ که این دلیلی بر تاثیر فرهنگ بر معماری می‌باشد (ستوده، ۱۳۴۹).

۱۳. رواج شیعه در شرق گیلان و کل مازندران (عظیمی، ۱۳۹۵ و یوسفی، ۱۳۸۷ و پناهی، ۱۳۹۲).

۱۴. ایوان‌ها عموماً دارای چهار شکل یک ایوانه، دو ایوانه، سه ایوانه و چهار ایوانه هستند (خاکپور، ۱۳۹۲، ۸۲). البته نمونه‌های یک ایوانی کمتر متداول هستند. عرض ایوان‌ها در شرق گیلان در بعضی مواقع از ۱ تا ۴/۵ متر متغیر است. اتاق تدفین ممکن است با یک تا چهار ورودی به ایوان راه یابد اما معمولاً ورودی‌ها یک یا دو عدد بوده که در جهت جنوب و شرق قرار می‌گیرند.

۱۵. در گذشته جزء منطقه گیل و دیلم بوده است.

۱. با توجه به تنوعات عمومی توپوگرافی منطقه، هر اقلیم کلان (macroclimate) به ریز اقلیم‌هایی تقسیم می‌شود و مناطق در مسافت ده تا دویست کیلومتر را مجزا می‌کند (طاهباز، ۱۳۹۲: ۱۳).

۲. تفاوت‌ها و ویژگی‌های داخلی هر فرهنگ را خرده فرهنگ (subculture) گویند. (صالحی امیری، ۱۳۹۵: ۴۸).

۳. عناصر اقلیمی شامل دما، رطوبت، تابش، باد، بارندگی، یخبندان و ذرات موجود در هوا است (طاهباز، ۱۳۹۲: ۱۹).

۴. وضعیت جغرافیایی شامل ارتفاع از سطح دریا، شیب زمین، پوشش سطح زمین و پوشش سطوح همجوار مانند جنگل‌ها و رودها و کوه‌ها است (همان: ۱۵).

5. place-based

۶. در این میان بخشی از عوامل فرهنگی تحت تاثیر محیط بیرونی است به طور مثال همجواری با مناطق جغرافیایی دیگر و یا مهاجرت که بر فرهنگ یک منطقه تاثیر گذارند و یا عوامل جغرافیایی می‌تواند مانع ارتباط یک منطقه با فرهنگ منطقه دیگر شود. اقلیم نیز می‌تواند سبب رفتار و آداب خاص فضایی شود.

۷. در گذشته این نام به بخش شرقی گیلان تا رودخانه چالوس در غرب مازندران اطلاق می‌گردید (عظیمی، ۱۳۹۵).

۸. ماهیت شهری در گیلان و مازندران به دلیل شرایط محیط طبیعی، موقعیت جغرافیایی و فرهنگی در طول تاریخ ضعیف‌تر از سایر نقاط ایران بوده است (همان).

۹. به دلیل رواج توتم پرستی قبل از ورود اسلام در بعضی مناطق گیلان و مازندران به ویژه در نقاط دوردست (یوسفی، ۱۳۸۷ و ستوده، ۱۳۴۹: هفت).



۲۲. در بندکشی از ملاتی به نام گرزمال استفاده می‌شده است که از ترکیباتی چون سبوس + گیاه گرزمال + آهک + آهه + آب ساخته می‌شود و باید به طور کامل ورز داده شود (مهندسین مشاور معماری و شهرسازی آیمیس پارس، ۱۳۸۶، ۲۵۳).

فهرست منابع

- آلباگو نوولو، آدریانو و دیگران. ۱۳۸۴. معماری بومی. تهران: فضا.
- اسناد سازمان میراث فرهنگی. صنایع دستی و گردشگری استان گیلان.
- اسناد سازمان میراث فرهنگی. صنایع دستی و گردشگری استان مازندران.
- الکساندر، کریستوفر. ۱۳۹۳. سرشت نظم جلد دوم. ترجمه رضا سیروس صبری و علی اکبری. تهران: پرهام نقش.
- ایرون، روبرت. ۱۳۸۹. هنر اسلامی. ترجمه رویا آزادفر. تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.
- بورکهارت، تیتوس. ۱۳۹۲. هنر اسلامی: زبان و بیان. ترجمه مسعود رجبی. تهران: سروش.
- پناهی، عباس. ۱۳۹۲. سیر تاریخی دین و مذهب در گیلان. رشت: فرهنگ‌لیلیا.
- پوپ، آرتور. ۱۳۸۷. معماری ایران. ترجمه غلامحسین صدر افشار. تهران: اختران.
- پوراحمد جکتاجی، محمدتقی. ۱۳۸۷. فرهنگ عامیانه‌ی زیارتگاه‌های گیلان. رشت: فرهنگ ایلیا.
- _____ . ۱۳۹۵. مصاحبه توسط نگارندگان.
- پیرنیا، کریم. ۱۳۸۲. سبک‌شناسی معماری ایران. تدوین غلام رضا معماریان. تهران: پژوهنده.

۱۶. زیر برخی از گنبد‌های داخلی با مقرنس، کاربردی، نقاشی یا آینه‌کاری تزیین شده است. این گنبد‌ها فقط در تعداد کمی از نمونه‌ها در لاهیجان و لنگرود دیده می‌شوند که برای محافظت در مقابل نزولات جوی از بیرون با سقف شیب‌دار پوشانده‌اند.

۱۷. تزیینات گچ‌بری زیادی در گیلان یافت نمی‌شود و فن کاشی‌کاری و حجاری بسیار ضعیف است. برخی سنگ قبر که آثار نفیسی هستند از خارج از استان مثل قزوین و زنجان تهیه شده است (ستوده، ۱۳۴۹ و ستوده، ۱۳۵۱).

۱۸. در بقاع شرق گیلان نقاشی‌های دیواری با مضامین عاشورا، قیامت، معراج پیامبر، غدیرخیم و مانند آن‌ها انجام می‌شده (محمودی نژاد، ۱۳۸۸). نقاشی در آن زمان به عنوان یک رسانه بصری نقل و فهم رویدادهای مذهبی را برای مردم بی‌سواد امکان‌پذیر کرده و شور و هیجان مذهبی خاصی به بنا می‌بخشید که با حال و هوای مذهبی بقاع همخوانی دارد.

۱۹. آرامگاه‌های برجی در شرق مازندران مثل شهرهای آمل، بابل و ساری دارای ارتفاع میانگین ۱۲-۱۴ متر و تناسب ۱ به ۱/۵ تا ۱ به ۲/۵ می‌باشند در حالی که آرامگاه‌های برجی بخش غربی مازندران مثل نور و کجور از نظر زیبایی‌شناسی دارای تناسب ۱ به ۱ تا ۱ به ۱/۵ با ارتفاع میانگین ۵ تا ۸ متر هستند.

۲۰. ملات به کار رفته در بناها نوعی ساروج به رنگ خاکستری می‌باشد که از موادی چون آهک گرم + سبوس + دوده آهه + گل رس + ماسه بادی + آب تشکیل شده است (مهندسین مشاور معماری و شهرسازی آیمیس پارس، ۱۳۸۶: ۲۵۳).

۲۱. گنبد گسسته رک که در شمال ایران ساخته می‌شد (پیرنیا، ۱۳۸۲، ۱۶۳).



- _____ ۱۳۸۳. آشنایی با معماری اسلامی ایران. تدوین غلام رضا معماریان. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- جلیلی، محمد. ۱۳۸۹. مروری تحلیلی بر مفهوم محیط در ادبیات روانشناسی محیط، در: مجله علمی-ترویجی منظر ۲ (۱۲): ۲۸-۳۱.
- جهانی، ولی و هم‌رنگ، بهروز. ۱۳۹۵. مصاحبه توسط نگارندگان.
- خاکپور، مینو. ۱۳۹۲. گونه شناسی بقاع متبرکه لاهیجان، در: فصلنامه علمی-پژوهشی شهر ایرانی اسلامی (۱۳): ۸۱ تا ۹۲.
- خودزکو، الکساندر. ۱۳۵۴. سرزمین گیلان. ترجمه سیروس سهامی. تهران: پیام.
- دومورگان، ژاک. ۱۳۳۸. ایران: مطالعات جغرافیایی جلد ۲. ترجمه کاظم ودیعی. تبریز: چهر.
- راپاپورت، آموس. ۱۳۸۲. ابداع معماری؛ از غار تا شهر. ترجمه شهاب قندهاری، در: مجله آبادی ۱۳ (۳۹): ۴-۱۱.
- _____ ۱۳۹۰. فرهنگ، معماری و طراحی. ترجمه مازیار برزگر و مجید یوسف نیا. ساری: شلفین.
- راعی، حسین، ۱۳۹۰، بررسی و مطالعات برج-مقبره‌های قرن ۸ و ۹ ه.ق در مازندران: نمونه موردی مقبره شمس آل رسول آمل، در: دو فصلنامه علمی-پژوهشی مرمت، آثار و بافت‌های تاریخی، فرهنگی ۱ (۲): ۷۵-۹۰.
- ستوده، منوچهر. ۱۳۴۹. از آستارا تا استارباد جلد ۱. تهران: انجمن آثار ملی.
- _____ ۱۳۵۱. از آستارا تا استارباد جلد ۲. تهران: انجمن آثار ملی.
- _____ ۱۳۵۳. از آستارا تا استارباد جلد ۳. تهران: انجمن آثار ملی.
- سلطان زاده، حسین. ۱۳۸۸. چگونگی شکل‌گیری و معماری مزارها، در: مجله انسان شناسی ۷ (۱۱): ۴۰-۶۴.
- _____ ۱۳۹۳. نقش جغرافیا و فرهنگ در شکل‌گیری بام در واحدهای مسکونی، در: پژوهش‌های جغرافیای انسانی ۴۶ (۲): ۴۴۹-۴۶۴.
- سلیمانی، سعید. ۱۳۹۵. مصاحبه توسط نگارندگان.
- صالحی امیری، سیدرضا، ۱۳۹۵، مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی. تهران: ققنوس.
- طاهباز، منصوره. ۱۳۹۰ اصول طراحی معماری همساز با اقلیم در ایران با رویکرد به معماری مسجد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- _____ ۱۳۹۲. دانش اقلیمی طراحی معماری. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- _ غلامی، قاسم. ۱۳۸۷ الف. امام‌زاده‌های گیلان. رشت: فرهنگ ایلیا.
- _____ ۱۳۸۷ ب. زیارتگاه‌های گیلان. رشت: فرهنگ ایلیا.
- قبادیان، وحید. ۱۳۸۲. بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران. تهران: دانشگاه تهران.
- کراوچ، دورا پ و جانسون، جون گ. ۱۳۹۰. سنت در معماری. ترجمه محمدتقی فرامرزی. تهران: موسسه تالیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- کیانی، محمد یوسف. ۱۳۸۳. معماری ایرانی دوره اسلامی. تهران: سمت.
- محمودی‌نژاد، احمد. ۱۳۸۸. نقاشی‌های دیواری بقعه‌های گیلان. رشت: فرهنگ ایلیا.



- Liebow, Edward B.. 2002. Environmental Anthropology . HANDBOOK OF ENVIRONMENTAL PSYCHOLOGY. ed ROBERT B. BECHTEL and ARZA CHURCHMAN. New York: John Wiley & Sons, Inc.
- Kenney , Steohen F. 1994 . CULTURAL INFLUENCES ON ARCHITECTURE . <https://ttu-ir.tdl.org/ttu-ir/bitstream/handle/2346/دسترسی> (دسترسی در . <https://ttu-ir.tdl.org/ttu-ir/bitstream/handle/2346/دسترسی> (۹۶/۱۰/۱۴20271/31295007968471.pdf
- Monkhouse, F.J. and Small, J. .1978. A Dictionary of the Natural Environment. London: Edward Arnold.
- Oliver, Paul . 2006. Built to Meet Needs. Oxford: Elsevier Ltd.
- Rapoport, Amos. 1969. House Form and Culture . Englewood Cliffs. New Jersey: Prentice-Hall. _
- _____ . 2006. Vernacular design as a model system . Vernacular Architecture in the Twenty-First Century: Theory, education and practice. Ed: Lindsay Asquith and Marcel Vellinga. New York: Taylor & Francis Group.
- _____ . 2008. SOME FURTHER THOUGHTS ON CULTURE AND ENVIRONMENT. Archnet-IJAR, International Journal of Architectural Research. Vol 2 . Issue 1 .pp16-39.
- Tiwari, Sudarshan Raj & other .2016. Cultures in Development Conservation of Vernacular Architecture. www.kailashkut.com/wp-content/uploads/2016/05/changingdhading.pdf .(دسترسی در ۹۵/۵/۱۸)
- معماریان، غلامحسین. ۱۳۸۴. سیری در مبانی نظری معماری. تهران: سروش دانش.
- _____ . ۱۳۹۱. معماری ایران: نیارش جلد دوم. تدوین هادی صفایی پور. تهران: نغمه نواندیش.
- موسوی، رضا. ۱۳۷۸. فرهنگ عامه و معماری آرامگاهی، در: مجله آبادی ۹ (۳۴ و ۳۵): ۴۳-۴۹.
- مهندسین مشاور معماری و شهرسازی آبمیس پارس. ۱۳۸۶. طرح حفاظت و مرمت مقابر. ساری: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان مازندران.
- نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی و شرکت طرح و نشر سیما.
- نقی‌زاده، محمد. ۱۳۷۸. هویت: تجلی فرهنگ در محیط، در: مجله آبادی ۹ (۳۴ و ۳۵): ۱۷-۲۸.
- _____ . ۱۳۸۴. جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ و شهرهای ایرانی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- _____ . ۱۳۸۷. مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی جلد اول. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- هال، ادواردتی. ۱۳۹۰. زبان خاموش. ترجمه علی نمازیان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- هیلن براند، رابرت. ۱۳۸۳. معماری اسلامی. ترجمه ایرج اعتصام. تهران: پردازش و برنامه ریزی شهری.
- یوسفی، صفر. ۱۳۸۷. سیر تحول دین و مذهب در مازندران، در: فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن ۴(۱۶): ۱۶۷-۱۹۲.

